

بررسی کنش‌های گفتار^۱ در سخنرانی‌های روسای جمهور ایران و آمریکا شهریور ۱۳۸۵، سازمان ملل*

دکتر محمدرضا پهلوان‌نژاد**
لیدر اصطهباناتی***

چکیده

در این مقاله متون سخنرانی رؤسای جمهور جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در شهریورماه سال ۱۳۸۵ در سازمان ملل براساس نظریه کنش‌های گفتار تجزیه و تحلیل شده است. بعد از تبیین موضوع و طرح مسأله در مقدمه، به بیان نظریه کنش‌های گفتار پرداخته شده و دسته‌بندی کنش‌های گفتار سرل ارائه شده است. در ادامه، به تحلیل کنش گفتاری سخنرانی‌های احمدی‌نژاد و بوش و مقایسه نتایجشان با یکدیگر پرداخته شده است. هر دو سخنران با شناخت موقعیت خویش، یکی به عنوان رئیس جمهور ایران و دیگری به عنوان رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا سعی داشته‌اند تا با استفاده از جملات خاص (کنش بیانی) منظور خویش (کنش غیربیانی) را به مخاطب برسانند تا با تأثیرگذاری بر مخاطبان خویش (کنش پس‌بیانی) به گسترش افکار خویش بپردازند. در این مقاله با تحلیل کنش گفتاری ساختار جملات مورد استفاده آنان نشان داده شده که چگونه با کنار هم چیدن جملات کنشی: اظهاری، تعهدی، اعلامی و ... سعی در القای افکار خویش به مخاطب داشته‌اند و چگونه این فرآیند در سخنرانی آنها شکل گرفته است.

واژه‌های کلیدی: تحلیل گفتمان، متون سیاسی، کنش گفتار، کنش اظهاری، کنش ترغیبی، کنش عاطفی، کنش اعلامی، کنش تعهدی.

1- Theory of Speech Acts.

*- تاریخ وصول: ۸۶/۷/۲۷ تأیید نهایی: ۸۸/۵/۲
**- عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی
***- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی

مقدمه

زبان ابزاری است برای برقراری ارتباط با دیگران و طرح مباحث مختلف از جمله مباحث سیاسی که از اعتقادات شخص ناشی می‌شوند. از طریق زبان می‌توان به ایده افراد و نیز به دلیل چگونگی شکل‌دهی پیام‌هایشان برای انتقال به مخاطب پی برد. برای تحلیل یک متن سیاسی از دیدگاه زبانی باید به دو نکته مهم توجه داشت:

۱. زبان چگونه ایده و افکار افرادی را که موضع سیاسی خاصی دارند، منعکس می‌کند؟
۲. آیا سیاستمداران از کنش‌های گفتار خاصی در موقعیت‌های متفاوت برای ابراز عقاید خویش و القای آنها به مخاطبشان استفاده می‌کنند؟

در این مقاله متون سخنرانی دو سخنران در شهریورماه سال ۱۳۸۵ در سازمان ملل براساس نظریه کنش‌های گفتار تجزیه و تحلیل خواهد شد. پس از تعریف کنش گفتار و شرایط تحقق آن، به تحلیل کنش گفتاری سخنرانی‌های احمدی‌نژاد و بوش و مقایسه نتایجشان با یکدیگر پرداخته می‌شود. سخنرانان سعی دارند تا با استفاده از جملات خاص (کنش بیانی) منظور خویش (کنش غیربیانی) را به مخاطب برسانند تا با تأثیرگذاری بر مخاطبان خویش (کنش پس بیانی) به گسترش افکار خویش بپردازند. در این تحقیق، متون سخنرانی دو سیاستمدار در سازمان ملل براساس کنش‌های گفتار تحلیل می‌شوند تا با تحلیل کنش گفتاری ساختار جملات مورد استفاده آنان نشان داده شود که چگونه آنها با کنار هم چیدن جملات کنشی: اظهاری، تعهدی، اعلامی و ... سعی در القای افکار خویش به مخاطب داشته‌اند و چگونه این فرآیند در سخنرانی آنها شکل گرفته است. آنها در سخنرانی‌های خویش از چه کنش‌های گفتار بیشتری برای تأثیر بر دیگر روسای جمهور جهان استفاده کرده‌اند؟ چه شباهت‌هایی بین سخنرانی دو سیاستمدار در بین دیگر سیاستمداران همپایه خویش وجود دارد. روش مورد استفاده، روش تحلیل محتوا است و واحد تحلیل مضمون در نظر گرفته شده است که می‌تواند شامل یک جمله، یک کلمه یا چند جمله باشد که یک کنش را برسانند. ابتدا تعریف کنش گفتار ارائه می‌شود.

کنش گفتار چیست؟

نظریه کنش گفتار، واکنشی مخالف نسبت به سه اصلی که معنی شناسان زبانی و

معنی شناسان منطقی آنها را اساس نگرش نسبت به معنی پذیرفته بودند، است. این سه اصل عبارتند از:

۱. جملات خبری گونه اصلی جملات زبان اند،
۲. کاربرد اصلی زبان اطلاع دادن از طریق جملات است،
۳. صدق و کذب معنی جملات را می‌توان تعیین کرد (صفوی، ۱۳۷۹، ۱۷۴-۱۷۳).

آستین (Austin) با رد این اصول و اعمال ملاحظات خویش، شرایط شکل گرفتن نظریه کنش گفتار را فراهم نمود. آستین بین جملات با معنی و جملات بی‌معنی تمایز قائل می‌شود. از این دید، جملات خبری معنی‌دار هستند. اما آستین با در نظر گرفتن دسته دیگری از جملات روزمره که بی‌معنی بودند و نه خبری، آن طبقه‌بندی را رد نمود. او این جملات معنی‌دار را که خبری نبودند، جملات کنشی نامید، زیرا با توجه به شرایط، تولید این جملات به صورت انجام یک عمل قراردادی اجتماعی بکار می‌رود.

جملات کنشی، جملاتی هستند که تولیدشان با توجه به بافت و شرایطی، بعنوان انجام یک عمل قراردادی اجتماعی محسوب می‌شوند. مثلاً به هنگام ازدواج، گفتن کلمه «بله» [یعنی این خانم را به همسری بر می‌گزینم]، در پاسخ به سوال عاقد «آیا قبول می‌کنید؟» بعنوان عمل ازدواج کردن با شخص مورد نظر محسوب می‌شود. این کلمات ارتباطی با رویداد ازدواج ندارند، اما عمل ازدواج از این کلمات حاصل می‌شود.

در اینجا کلمه «بله» هیچ چیزی را تایید نکرده، صدق و کذب چیزی را مشخص نمی‌کند. درست یا نادرست بودن این کلمه را نمی‌توان تایید کرد که آیا دو نفر با هم ازدواج می‌کنند یا خیر. اما این کلمات به نحوی عمل می‌کنند که برای ما حقیقت داشته باشد دو نفر با همدیگر دارند ازدواج می‌کنند.

جمله کنشی وسیله قراردادی است که امکان بروزش، خیلی ساده و بدون تشریفات است. مثلاً اگر بگوییم «من قول می‌دهم...» خیلی ساده و بدون تشریفات قول داده‌ایم. برای قول دادن تنها چند کلمه کافی است تا عمل قول دادن انجام شود. تنها با گفتن «قول می‌دهم...» عمل قول دادن صورت می‌گیرد. نوع دیگری از جملات کنشی هستند که نیاز به قرارداد و شرایط خاصی دارند، مثلاً با گفتن «من شما را غسل تعمید می‌دهم.» عمل غسل تعمید انجام نمی‌پذیرد؛ بلکه می‌بایست تشریفات برای بجا و درست بودن آن فراهم باشد. بین قول دادن و غسل تعمید دادن تفاوتی وجود دارد. برای غسل تعمید دادن، حضور یک کشیش لازم است. همچنین برای انجام آن، رسم و

رسومات و قراردادهای خاصی همچون ریختن آب بر روی پیشانی کودک ضروریست. وجود همزمان این امور لازم است، در غیر این صورت تنها با گفتن جمله مورد نظر، غسل تعمیدی صورت نمی‌پذیرد. این مساله نشانگر اهمیت بافت در یک جمله کنشی است. بیان کلماتی در بعضی از بافت‌ها، انجام یک عمل اجتماعی را شکل می‌دهد. کلمات و بافت بواسطه عرف و قراردادها گسترش می‌یابند (لوئیس، ۱۹۶۹). جملات کنشی در بافت مناسب بجا محسوب می‌شوند و اگر در بافت نامناسب قرار بگیرند، نابجا بر شمرده می‌شوند (Austin, 1970:14). مثلاً درباره موضوع غسل تعمید، کودک نمی‌بایست قبلاً تعمید داده شده باشد.

در قول دادن، اگر شرایط و امکان انجام عمل وجود نداشته باشد، حتی با گفتن «من قول می‌دهم...» قولی داده نمی‌شود. در این صورت، به صورت عرفی و قراردادی پذیرفته شده که این جملات بعنوان قول و تعهد محسوب نمی‌شوند. بنابراین این جمله نابجا محسوب می‌شود و گوینده آن موفق به قول دادن نشده است.

مطالعات دقیق‌تر و عمیق‌تر آستین نشان داد که تقسیم اظهارات به اخباری و کنشی نیز نادرست است، زیرا تمام آنچه وی درباره اظهارات کنشی صادق می‌دانست درباره اظهارات اخباری نیز صادق است. بنابراین، از نظر آستین، آنچه تا پیش از این بخشی از اظهارات زبانی تلقی می‌شد، همه اظهارات زبانی را در برمی‌گیرد. از نظر وی تمام اظهارات زبانی از سنخ اظهارات کنشی و از مقوله فعل بوده، نظریه کنش‌گفتاری را برای تحلیل همه افعال زبانی به کار می‌گیرد. از نظر آستین، کنش‌گفتار یعنی پاره‌گفتار با معنی‌ای که به آن کنش بیانی گفته می‌شود؛ این پاره‌گفتار با معنی دارای بار قراردادی است که به آن کنش غیربیانی گفته می‌شود و این جمله با معنی به بعضی از امور غیرقراردادی، بار قراردادی می‌دهد که آن را کنش پس بیانی می‌نامد (Ibid:150). وی میان سه سطح متفاوت از افعالی که انسان هنگام سخن گفتن انجام می‌دهد، تمایز قائل می‌شود:

الف) کنش بیانی (Locutionary act)

ب) کنش غیربیانی (Illocutionary act)

ج) کنش پس بیانی (Perlocutionary act)

در سطح اول، گوینده واژه‌هایی را اظهار می‌کند که معنای خاصی دارند. در سطح دوم، گوینده واژه‌ها را برای افاده بار خاصی به کار می‌گیرد و در سطح سوم، گوینده با اظهار عبارت‌های زبانی در مخاطب خود عکس‌العمل و تأثیری پدید می‌آورد. فردی به

مخاطب می‌گوید «کتاب را کنار بگذار». گوینده در اظهار این جمله نخست واژه‌های معناداری اظهار کرده؛ یعنی فعلی انجام داده که آستین آن را به «کنش بیانی» واژه‌های معنادار تعبیر می‌کند. بار معنایی این جمله، امری است؛ به گونه‌ای که نفس اظهار جمله - البته با قیود و شرایطی - به معنای انجام کنش گفتاری امری است. آستین این کنش را به کنش غیربیانی تعبیر می‌کند. حال اگر جمله یاد شده مخاطب را وادار کند که کتاب را کنار بگذارد، گوینده فعل سومی نیز انجام داده که عبارت است از تأثیری که بر مخاطب گذاشته، که این تأثیر از سخن او ناشی شده است. آستین این تأثیر را کنش پس بیانی نامیده است. محور تحلیل در نظریه کنش گفتاری، کنش غیربیانی است نه کنش پس بیانی. از این جهت تمایز میان کنش غیربیانی و کنش پس بیانی، همچنین شرایط تحقق کنش گفتاری بسیار مهم هستند.

آستین می‌گوید براساس موقعیت است که جمله مورد سنجش قرار می‌گیرد. بنابراین یک جمله کنشی براساس اینکه امکان انجام شدن یا نشدنش وجود دارد، مورد قضاوت قرار می‌گیرد. مثلاً در قول دادن، اگر شرایط و امکان انجام عمل وجود نداشته باشد، حتی با گفتن «من قول می‌دهم...» قولی داده نمی‌شود. در این صورت، به صورت عرفی و قراردادی پذیرفته شده که این جملات بعنوان قول و تعهد محسوب نمی‌شوند. بنابراین این جمله نابجا محسوب می‌شود و گوینده آن موفق به قول دادن نشده است. نابجا بودن جملات کنشی به چگونگی ایفای نقششان در بافت مورد نظر بستگی دارد (Austin, 1970: 52, 76, 148).

برای اینکه جمله کنشی موفق باشد، باید دارای چهار شرط عمده باشد:

(الف) اینکه بیان واژه‌های خاص، از جانب گویشورانی خاص، تحت شرایط خاص، تأثیر خاصی روی مخاطب می‌گذارد باید به عنوان اصل پذیرفته شود.

(ب) همه شرکت کنندگان حاضر در این فرایند متعارف باید وظیفه خود را به درستی انجام بدهند.

(ج) اگر چنانچه در توافق بین شرکت کنندگان مطرح شود که طرفین شرکت کننده در این فرایند لازم است افکار، احساسات و اهداف خاصی داشته باشند، آنگاه طرفین ملزم به رعایت چنین اصلی‌اند.

(د) اگر در قرارداد عنوان شود که هر شرکت کننده در فرایند باید مقید به نشان دادن رفتار خاصی از خودش باشد، در این صورت گوینده یا شنونده ملزم به رعایت آن است (آستین، ۱۹۶۲، ۱۵-۱۴ به نقل از آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵، ۲۷).

در زیر شرایط تحقق کنش گفتار نشان داده شده است:

عدم اثرگذاری (Misfire) و عدم موفقیت جمله به دلایل بیرونی:

۱- درخواست نابجا (Misinvocation) - عمل مناسب به واسطه ملاک‌های قراردادی نقض شود:

الف) درخواست غیر قابل اجرا (Non-plays) - نبود قرارداد مناسب. مثال: مردی در حضور شهود به همسرش بگوید: (در فرهنگ غرب) ^۱ «من طلاق می‌دهم.»

ب) کاربرد نامناسب (Misapplications) - قراردادی که به صورت نامناسب بکار برده شود. مثال: مرد متاهلی (در فرهنگ غرب) مرتکب خطای دو همسری شود.

۲- عمل ناتمام (Misexecution) - عمل مناسب ناقص می‌ماند:

الف) ناقص (Flaws) - فرآیند قراردادی به طور ناقص انجام شود. مثال: یکی از دو نفر شرکت کننده در مراسم ازدواج بگوید «بله» [شما را به همسری خودم قبول می‌کنم] و دیگری بگوید «نه».

ب) معیوب (Hitches) - فرآیند قراردادی ناتمام است. مثال: کسی می‌خواهد شرط ببندد اما هیچ کس حاضر نیست با او شرط ببندد.

سوء کاربرد (Abuses) و عدم موفقیت جمله به دلایل درونی:

۱- عدم صداقت (Insincerities) - نبود قصد و نیت مناسب برای انجام عمل. مثال: قول و تعهد دادن به قصد اینکه غیرصادقانه به تعهد و قول خویش عمل نکند.

۲- عدم تعهد (Non-fulfillments) - قصد و نیت انجام ندادن کامل عمل. مثال: کسی صادقانه قول می‌دهد، اما به قولش عمل نمی‌کند.

تمایز نظرات آستین و سرل در باب کنش گفتار

محور تحلیل در نظریه کنش گفتاری، کنش غیربیانی است نه کنش پس بیانی. از این جهت تمایز میان کنش غیربیانی و کنش پس بیانی برای فهم دقیق و درست نظریه کنش گفتاری بسیار مهم است. فیلسوفان تحلیلی پس از آستین نیز بر آن تأکید کرده‌اند. اما تمایزی که آستین میان کنش بیانی و کنش غیربیانی قائل شده از جانب بعضی از فیلسوفان، از جمله جان سرل، نقد شده است. جان سرل در کتاب «کنش گفتاری» نشان می‌دهد که تحقیق درباره زبان بدون بررسی ماهیت و نحوه کار ذهن ناتمام است. زبان و افعال، جزو واقعیت‌های نهادی و اجتماعی هستند و مطالعه زبان در

پرتو مطالعه ذهن با این واقعیت که زبان پدیده‌ای اجتماعی است، منافاتی ندارد. چنین تحلیلی، سرل را متوجه موضوع فلسفی بسیار مهم دیگری به نام واقعیت اجتماعی ساخت. در جدول زیر تمایزات نظرات آستین و سرل نشان داده شده است:

سرل	آستین	همان طوری که جدول مقابل نشان می‌دهد اختلاف سرل با آستین در کنش بیانی است. سرل کنش بیانی را رد می‌کند و از کنش پاره گفتار (Utterance Act) و کنش گزاره‌ای (Propositional act) صحبت به میان می‌آورد، ولی در باب کنش پس بیانی، نظر سرل و آستین یکی می‌باشد.
الف. کنش پاره گفتار	الف. کنش بیانی	
ب. کنش گزاره‌ای	۱. کنش آوایی	
۱. کنش ارجاعی	۲. کنش گفته	
۲. کنش پیش‌بینی	۳. کنش معانی بیان	
پ. کنش غیر بیانی	ب. کنش غیر بیانی	
ت. کنش پس بیانی	پ. کنش پس بیانی	

کنش اصلی نظام سرل، بیان تکواژه‌ها، کلمات و جملات است (Searle, 1979: 182). تکواژ کوچکترین جزء یک کلمه است که در نظام زبان موثر است. تکواژ سرل به هیچ وجه به آواهای (Phone) آستین شباهتی ندارد. تکواژ بیشتر یک ترکیب آوایی است. نوعی واحد زبانی که در یک زبان نقش دارد. بنابراین کنش پاره گفتار با کنش آوایی آستین ارتباطی ندارد. البته این به آن معنی نیست که سرل ایده کنش آوایی را رد کرده است، بلکه آن را قبول دارد اما در نظام خویش از آن استفاده نمی‌کند (Searle, 1969: 61). کنش پاره گفتار، کنش گفتاری است که معنی آن کامل نیست (Searle, 1968: 424)، زیرا تولید کنش پاره گفتار بدون تولید یک کنش گزاره‌ای، ردیف کردن کلمات پشت سر هم است و نه چیز بیشتری از آن. به نظر می‌رسد کنش پاره گفتار کمی با کنش گفته آستین که کنش بیان واژه‌ها (Vocables)، کلمات و واحدهای نحوی یک زبان است، شباهت داشته باشد. کنش پاره گفتار تولید تکواژه‌ها، کلمات و جملات هست و کنش گفته تولید واژه، کلمات و واحدهای نحوی یک زبان است. می‌توان با توجه به شباهت زیاد به یکدیگر، کنش پاره گفتار از دید سرل را مثل کنش گفته آستین در نظر گرفت. کنش گزاره‌ای سرل با کنش معانی بیان همخوانی ندارد. هر چند در هر دو کنش، زبان، مفهوم و ارجاع کامل دارد. از نظر سرل همه کنش‌های پاره گفتار می‌توانند یک کنش گزاره‌ای تولید کنند. در صورتی که از نظر آستین همه کنش‌های گفته نمی‌توانند یک کنش معانی بیان را تولید کنند (Searle, 1969: 61). از نظر آستین یک کنش معانی بیان می‌تواند منظوری باشد یا نباشد اما از نظر سرل کنش گزاره‌ایی حتماً دارای کنش منظوری است.

کنش گزاره‌ای

کنش گزاره‌ای از دو بخش تشکیل شده است: ۱. کنش ارجاعی، ۲. کنش پیش‌بینی. تنها کنش ارجاعی است که کنش کامل زبان محسوب می‌شود. زیرا بدون گفتن از آن می‌توان به آن ارجاع داد، حداقل در تئوری نمی‌توان چیزی گفت مگر آنکه مربوط به موضوعی (Object) باشد. کنش پیش‌بینی، یک کنش ناتمام زبان محسوب می‌شود. سرل درباره کنش ارجاعی می‌گوید تمام اصطلاحاتی که برای مشخص کردن چیزی، یک فرآیند، یک واقعه، یک عمل... بکار می‌رود، جزء کنش ارجاعی است. با بررسی نقش، صورت دستوری یا شیوه اعمال نقش، می‌توان کنش ارجاعی را تشخیص داد.

کلمه مرد در جمله «یک مرد آمده است» ارجاع می‌دهد، اما در جمله «جان یک مرد است»، این امر صورت نمی‌پذیرد. در جمله اول، یک مرد تعیین هویت می‌شود، اما در جمله دوم، برای جان خصوصیت مرد بودن (مردانگی) قائل می‌شود. ظاهراً «یک مرد است» گزاره‌ای است که نمی‌تواند تنها بیاید، بلکه می‌بایست به همراه اصطلاح ارجاعی بیاید. به همین دلیل سرل می‌گوید کنش پیش‌بینی «در هیچ شرایطی یک کنش مستقل نیست» (Ibid: 64).

می‌بایست بین معنی یک اصطلاح ارجاعی با گزاره بیان شده، تمایز قائل شد. بواسطه عبارات توصیفی یا اصطلاحات ارجاعی است که معنی منتقل می‌شود. گاهی معنی اصطلاح به تنهایی برای تبادل یک گزاره کافی نیست، لیکن کاربرد یک اصطلاح در بعضی از موقعیت‌ها امکان رد و بدل شدن یک گزاره را میسر می‌کند (Ibid: 171). برای مثال، هر چند که کلمه مرد معنی کاملاً مستقلی دارد، اما جمله «یک مرد است» تنها در بافت ویژه‌ای است که می‌تواند ارجاع به شخص خاصی داشته باشد.

کنش پاره گفتار با کنش گفته آستین تا حدی مطابقت دارد. کنش گفته نه معنی و نه ارجاع کاملی ندارد، اما برای بکار بردن یک معنی، قابل معین شدن می‌باشد. همین مساله را درباره کنش پاره گفتار سرل نیز می‌توان گفت. کنش پاره گفتار نیاز به بافت خاصی دارد تا اصطلاح ارجاعی به چیزی ارجاع دهد.

سرل می‌گوید که بواسطه نقششان است که ما اصطلاحات ارجاعی را باز می‌شناسیم و نه همیشه به واسطه صورت دستوریشان. در جمله «آن مرد مست است»، هر چند «آن مرد» از نظر دستوری حالت ارجاعی دارد، اما به جایی ارجاع نمی‌دهد. تنها زمانی که در بافت خاصی درباره مرد مشخصی که مست باشد، گفته شود، در آن صورت ارجاع

می‌دهد. بنابراین شکل ظاهری جمله نمی‌تواند ارجاع را نشان دهد، بلکه با نقشش می‌تواند ارجاع را نشان دهد.

دستور ظاهری یک جمله، دستوری ساده است. تنها برای تمایز قائل شدن با دستور عمیق یعنی بررسی دستورات جملات با توجه به نقش‌هایشان، از صفت «ظاهری» در اینجا استفاده شده است. بنابر نظر سرل، برای مشخص شدن نوع کنش منظوری جمله، لازم نیست صورت خاصی در ظاهر جمله داشته باشیم. معمولاً بافت به تنهایی بار جمله اظهار شده را نشان می‌دهد. بنابراین بافت بیشتر از هر صورتی می‌تواند بار منظوری را مشخص نماید.

بافت، گزاره را نیز مشخص می‌کند. برای مثال اگر جمله «من آنجا خواهم بود» (I'll be there) را گوینده‌ای با لحن خاصی بگوید، یک قول و تعهد ایجاد می‌شود. معنای گزاره بیان شده این است که گوینده آنجا خواهد بود و شکل نشانگر بارمنظوری، لحن خاص گوینده است (Ibid: 68). «من قولش را می‌دهم» یک جمله کنشی صریح دارای گزاره‌ای است که در جواب سوال «شما آنجا خواهید بود؟» می‌آید. این جمله دارای گزاره‌ای است که مشخص می‌کند گوینده آنجا خواهد بود. گزاره، ابزار تحلیلی کردن کنش‌های گفتار در بافت محسوب می‌شود بنابراین سرل با بیان گزاره، درباره کنش‌های گفتار به کمک نقششان در بافت، دستوری عمیقتر ارائه نمود. پس از بررسی کوتاه در باب کنش گفتار، انواع کنش گفتار براساس دسته‌بندی سرل آورده می‌شود.

انواع کنش گفتار

سرل کنش‌های گفتار را به پنج دسته تقسیم می‌نماید: ۱. کنش اظهاری، (Representative Act or Assertives Act) ۲. کنش ترغیبی، (Directive Act) ۳. کنش تعهدی، (Commissive Act) ۴. کنش عاطفی، (Expressive Act) ۵. کنش اعلامی (Declaration Act).

کنش اظهاری

هدف غیربیانی این کنش، توصیف حالتی یا حادثه‌ای است. گوینده عقیده خود را درباره صحت و سقم مطلبی اظهار می‌دارد. این کنش تعهد گوینده را نسبت به صدق گزاره مطرح شده نشان می‌دهد. گوینده می‌گوید چیزها چگونه هستند. این کنش محتوای

گزاره‌ای را با جهان و محیط مطابقت داده، باورهای گوینده را نشان می‌دهد. مثال:
۱. ما می‌دانیم زمانی که مردم در آینده خویش نقشی داشته باشند از آمار خودکشی‌هایشان کاسته می‌شود.

۲. به نظر می‌رسد توسعه درگیری‌ها و تروریسم توجیهی برای حضور نیروهای خارجی در عراق است.

افعال کنش‌اظهاری

آغاز کردن یک عمل، ابراز کردن، اثبات کردن، ادعا کردن، اظهار کردن، اعتراض کردن، اعطا کردن، اعلان کردن، التماس کردن، بحث کردن، بیان کردن، پاسخ دادن، تایید کردن، تصحیح کردن، تغییر فعالیت دادن، تفسیر کردن، تکذیب کردن، توصیف کردن، دسته‌بندی کردن، دفاع کردن، دلیل آوردن، رها کردن، شرح دادن، گزارش دادن، گفتن، محدود کردن، مطمئن بودن، معرفی کردن، نسبت دادن، نفی کردن، نقد کردن، واگذار کردن.

ابزارهای تسهیل شناخت کنش‌اظهاری

من اثبات می‌کنم که، من اظهار می‌کنم که، من تایید می‌کنم که، من تصحیح می‌کنم که، من می‌گویم که، من نفی می‌کنم که.

کنش ترغیبی

هدف غیربیانی این کنش، ترغیب مخاطب برای انجام کاری و قرار دادن شنونده در حالت تکلیف و اجبار برای انجام عملی است، یعنی گوینده می‌خواهد شنونده کاری انجام دهد. گوینده سعی می‌کند تا کاری کند که چیزهایی انجام شود و جهان را با محتوای گزاره‌ای که شامل عمل آتی شنونده می‌باشد، تطبیق بدهد. کنش ترغیبی خواست‌ها و تمایلات گوینده را بیان می‌کند. نمونه بارز کنش ترغیبی را می‌توان در پرسش‌ها یا درخواست‌ها مشاهده کرد. مثال:

۱. به آنها، زنان و مردان با شرافتی که برای فرزندان خویش همان چیزهایی را می‌خواهند که ما برای کودکان خویش می‌خواهیم، باید امید بدهیم.

۲. آیا تولید این سلاح‌های مرگبار و انباشت آنان در زرادخانه‌ها برای توسعه صلح و دموکراسی است؟

افعال کنش ترغیبی

اجازه دادن، اخطار دادن، اصرار و پافشاری کردن، اعلان نیاز کردن، التماس و تمنا کردن، القا کردن، بازخواست کردن، بایستن و لازم بودن، به مبارزه طلبیدن، بی‌توجهی کردن، پند و اندرز دادن، پیشنهاد کردن، تجویز کردن، تقاضا کردن، تکرار کردن، توانستن، توصیه کردن، توضیح خواستن، خواستن، من می‌خواهم که، درخواست اثبات کردن، درخواست اطلاعات کردن، درخواست کردن، دستور دادن، دعوت کردن، دوباره راه انداختن، سوال کردن، شرط کردن، شرط گذاشتن، گدایی کردن، معذرت خواهی کردن، نصیحت کردن، هشدار دادن.

ابزارهای تسهیل شناخت کنش ترغیبی

من اجازه می‌دهم که، من اخطار می‌کنم که، من به... نصیحت می‌کنم که، من پیشنهاد می‌کنم که، من تقاضا می‌کنم که، من تکرار می‌کنم که، من توصیه می‌کنم که، من دستور می‌دهم که، من دعوت می‌کنم که، من سوال می‌کنم که، من هشدار می‌دهم که،

کنش تعهدی

این کنش مربوط به متعهد کردن خود گوینده برای انجام دادن عملی در آینده است. گوینده با قول دادن، سوگند خوردن و اعمالی نظیر این، متعهد می‌شود که در آینده کاری را انجام بدهد. هدف این کنش تطبیق دادن جهان با محتوای گزاره‌ای عمل آتی شنونده می‌شود. مثال:

۱. من متعهد می‌شوم که دو کشور دموکراتیک اسرائیل و فلسطین در کنار یکدیگر در صلح و امنیت زندگی کنند.

افعال کنش تعهدی:

بیان موافقت کردن، تعهد دادن، تقدیم کردن، داوطلب شدن، ضمانت کردن، قسم خوردن، قول دادن، متعهد شدن.

ابزارهای تسهیل شناخت کنش تعهدی

من تعهد می‌دهم که، من دعوت می‌کنم که، من قسم می‌خورم که، من قول می‌دهم

که، من متعهد می‌شوم که،

کنش عاطفی

هدف غیربیانی کنش عاطفی بیان حالت روانی که در آن شخص سهیم شده است، می‌باشد. گوینده احساس خود را از طریق قدردانی، عذرخواهی، تبریک، ناسزا و جز آن بیان می‌دارد. با بیان یک گزاره با فرض حقیقی بودن آن گزاره، در شخص احساسی بوجود می‌آید، مثلاً یا خوشحال می‌شود یا افسوس می‌خورد. مثال:

۱. ما تاریخ غنی شما، فرهنگ درخشان و سهم بسیار شما در تمدن را ستایش و تحسین می‌کنیم.

۲. خداوند حکیم، عزیز و رحیم را سپاسگزارم که فرصت دیگری در اختیار این جانب قرار داد تا به نمایندگی از ملت بزرگ ایران مطالبی را به سمع و نظر جامعه جهانی برسانم.

افعال کنش عاطفی

اظهار همدردی کردن، اهانت کردن، بیان کردن آرزو، پیش‌بینی کردن، تامل کردن، تبریک گفتن، تردید داشتن، تسلیم شدن، تشکر کردن، تعجب کردن، تمجید کردن، تهدید کردن، خشمگین شدن، خشنود شدن، دست انداختن، دشنام دادن، سلام کردن و احترام گذاشتن، شکایت کردن، شوخی کردن، عصبانی شدن، فرضیه داشتن، متضمن چیزی بودن، مسخره کردن، معذرت خواستن، نا امید و دلسرد شدن، ناسپاسی کردن.

ابزارهای تسهیل شناخت کنش عاطفی

من پیش‌بینی می‌کنم که، من تبریک می‌گویم که، من تردید دارم که، من تشکر می‌کنم که، من تعجب می‌کنم که، من تهدید می‌کنم که، من خشنود هستم که، من فرض می‌کنم که، من معذرت می‌خواهم که.

کنش اعلامی

هدف غیربیانی کنش اعلامی اعلام شرایط تازه‌ای برای مخاطب است. گوینده بواسطه اعلام‌هایش بر جهان تغییرات واقعی‌ای ایجاد می‌نماید. این کنش همزمان دارای دو وجه انطباقی بین زبان و جهان است. کنش اعلامی زمانی اتفاق می‌افتد که گوینده قدرت و صلاحیت بیان وقایع جدید یک موسسه را داشته باشد. این امر تنها بواسطه

انجام مناسب کنش گفتار تحقق می‌پذیرد. مثال:

۱. از این ساعت شما را زن و شوهر اعلام می‌کنم.
۲. آغاز جنگ را اعلام می‌کنم.
۳. من با صدای بلند اعلام می‌کنم امروز جهان بیش از همیشه نیازمند انسان‌های صالح و عدالت‌خواه و عاشق بشریت و بالاتر از همه نیازمند انسان صالح کامل و منجی حقیقی است که موعود همه امت‌ها و بر پا کننده عدالت و صلح و برادری خواهد بود.

افعال کنش اعلامی

آغاز کردن کار، از کار برکنار کردن، اعلام کردن، انتصاب کردن، به کارگماردن، پایان دادن کار، عقد قرارداد کردن، نام گذاری کردن.

ابزارهای تسهیل شناخت کنش اعلامی

من اعلام می‌کنم که.

بر اساس دسته‌بندی سرل از افعال، می‌توان کنش‌های گفتار را تشخیص داد. اما لازم نیست حتماً خود فعل در جمله وجود داشته باشد، مثلاً در جمله «بگو به من.» فعل گفتن در بخش کنش اظهاری آمده است، اما بواسطه بافت است که تشخیص داده می‌شود که «بگو به من.» بار امری داشته، معادل معنایی فعل «دستور دادن» است، بنابراین جزء کنش ترغیبی است. همانطوری که سرل اذعان می‌کند، بافت بیشترین نقش را در تعیین کنش گفتار یک جمله بر عهده دارد. برای تعیین کنش‌های گفتار در این مقاله از سه شیوه استفاده شده است:

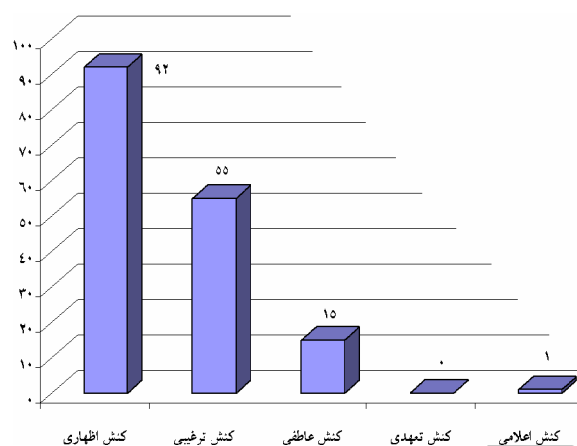
۱. واژگانی از طریق افعال کنشی: من اعلام می‌کنم که...، من متعهد می‌شوم که...
۲. ساختار جمله: جملات سوالی و امری.
۳. بافت جمله: دشمن در کمین است. بافت هشدار دادن جمله را می‌رساند.

موقعیت سیاسی روسای جمهور ایران و آمریکا در سال ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ حائز اهمیت است. بر اساس نظرسنجی انجام شده هفته نامه بین‌المللی تایم، هر دو رئیس جمهور در شمار مشهورترین سیاستمداران جهان در سال ۲۰۰۵ انتخاب شده بودند. بنابراین سخنرانی‌های آنها نیز مورد توجه دیگر حضار قرار می‌گرفته است. هر دو سخنران با شناخت موقعیت خویش، یکی به عنوان رئیس جمهور ایران و دیگری به عنوان رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا سعی داشته‌اند تا با استفاده از جملات خاص (کنش بیانی)

منظور خویش (کنش غیربیانی) را به مخاطب برسانند تا با تأثیرگذاری بر مخاطبان خویش (کنش پس بیانی) به گسترش افکار خویش بپردازند. به واسطه کنش گفتار می‌توان به ساختار جملات مورد استفاده آنان پی برد تا چگونه با کنار هم چیدن جملات کنشی: اظهاری، تعهدی، اعلامی و ... سعی در القای افکار خویش به مخاطب داشته، چگونه این فرآیند در سخنرانی آنها شکل گرفته است. جریان مستمر بکارگیری کنش‌های گفتار آنان به صورت نمودار خطی به تصویر کشیده شده است تا بهتر این جریان پیوسته نشان داده شود. پس از تبیین نظریه کنش‌های گفتار و دسته بندی افعال آن، در این قسمت به بررسی سخنرانی‌های روسای جمهور جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا می‌پردازیم.

سخنرانی دکتر محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی ایران

در تاریخ ۲۹ شهریور سال ۱۳۸۵ رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل سخنرانی کرد. این سخنرانی از ۱۶۳ جمله، ۲۹۸۳ کلمه و ۱۱۷۹۵ کاراکتر تشکیل شده است. احمدی‌نژاد در این سخنرانی به موضوعات متفاوتی اشاره می‌نماید. وی درباره عدالت، مهروری، اخلاق، معنویت و حفظ کرامت انسانی سخن خویش را آغاز کرده، در ادامه به بررسی اهم مسائل جهانی می‌پردازد: ۱. گسترش بی‌وقفه سلاح‌های اتمی، میکروبی و شیمیایی، ۲. اشغال کشورها: عراق و فلسطین و توسعه درگیری‌ها در جهان: لبنان و ناتوانی شورای امنیت در اجرای وظایفش به علت حضور قدرت‌های بزرگ در این ساختار، ۳. تغییر و اصلاح جدی در ساختار شورای امنیت، ۴. عدم رعایت حقوق اعضای سازمان‌های بین‌المللی: ان. پی. تی و موضوع هسته‌ای ایران. براساس دسته‌بندی و تحلیل کنش‌های گفتار سخنرانی رئیس‌جمهور ایران در سازمان ملل، این نتایج که در نمودار زیر نشان داده شده است، به دست آمد.



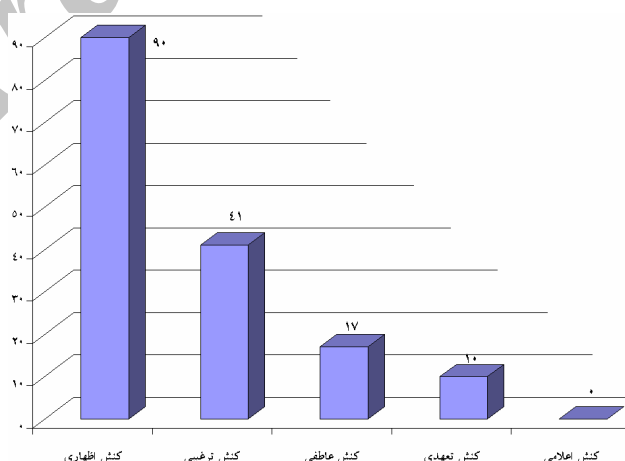
در جدول زیر، از تعداد ۱۶۳ جمله بیان شده، تعداد جملات کنش‌های گفتار در سخنرانی رئیس جمهور ایران نشان داده شده است. همانطوری که در این جدول می‌بینیم، بیشترین کنش را کنش اظهاری که برای بیان نقطه نظرات و اعتقادات است، به خود اختصاص داده است. به عبارت دیگر، نیمی از جملات دکتر احمدی‌نژاد برای تبیین نقطه نظرات و سیاست‌های کشور ایران برای سران کشورهای جهان اختصاص یافته است. کنش ترغیبی برای همراه کردن دیگران با عقاید خویش به کار می‌رود. این کنش خواست‌ها و تمایلات گوینده را بیان می‌کند. رئیس جمهور ایران ۳۴٪ از جملات خویش را به این کنش اختصاص داده است. درصد کنش‌های دیگر در سخنرانی دکتر احمدی‌نژاد نسبت به این دو کنش، اندک هستند. کمترین کنش، کنش تعهدی با مقدار صفر و کنش اعلامی با مقدار یک جمله می‌باشد. بنابراین هدف از بیان این سخنرانی، بیشتر بیان نظرات و افکار و تبیین سیاست‌های ملی ایران و همراه و ترغیب کردن دیگر کشورها برای همراهی با این سیاست‌ها می‌باشد. وی از کنش‌های عاطفی، اعلامی و تعهدی کمترین استفاده را برده است.

کنش گفتار	احمدی نژاد
کنش اظهاری	۹۲
کنش ترغیبی	۵۵
کنش عاطفی	۱۵
کنش تعهدی	۰
کنش اعلامی	۱
جمع کل	۱۶۳

سخنرانی جرج دبلیو بوش، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا

در تاریخ ۲۹ شهریور سال ۱۳۸۵ رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل سخنرانی کرد. این سخنرانی از ۱۵۸ جمله، ۲۷۵۰ کلمه و ۱۳۶۰۵ کاراکتر تشکیل شده است. بوش در این سخنرانی به موضوعات متفاوتی اشاره می‌نماید. وی دربارهٔ حادثه ۱۱ سپتامبر، دعوت به مبارزه با تروریسم در جهان، حمایت از رهبران دموکراتیک، میانه رو و اصلاح گرای کشورهای خاورمیانه، گزارش عملکرد ایالات متحده در کشورهای افغانستان، عراق و اصلاحات در کشورهای دیگر خاورمیانه صحبت نمود. وی در ادامه با خطاب مستقیم به مردم خاورمیانه سخنرانی خود را ادامه داد: به مردم عراق بعد از آزادی و انتخابات آزاد در آن کشور؛ به افغانستان و سرنگونی طالبان و انتخابات آزاد برگزار شده در آن کشور؛ به مردم لبنان پس از جنگ ۳۳ روزه با رژیم اسرائیل و حمله به حزب الله لبنان؛ به مردم ایران و انرژی هسته‌ای و به زیر سوال بردن عملکرد رهبران ایران؛ مردم سوریه و حمایت سوریه از حزب الله و حماس؛ مردم دارفور و افزایش کمک‌های انسان دوستانه جهانی و جایگزینی نیروهای سازمان ملل بجای نیروهای اتحادیه آفریقایی و تهدید دولت سودان در امتناع از پذیرش این نیروها و بالاخره درباره صلح بین فلسطینیان و اسرائیل‌ها و به زیر سوال بردن دولت حماس پرداخت.

براساس دسته‌بندی و تحلیل کنش‌های گفتار سخنرانی رئیس جمهور آمریکا در سازمان ملل، این نتایج که در نمودار زیر نشان داده شده، به دست آمد.



همانطوری که در جدول زیر می‌بینیم، از تعداد ۱۵۸ جمله بیان شده، تعداد جملات کنش‌های گفتار در سخنرانی رئیس جمهور آمریکا نشان داده شده است. همانطوری که در این جدول می‌بینیم، بیشترین کنش را، کنش اظهاری که برای بیان نقطه نظرات و اعتقادات می‌باشد، به خود اختصاص داده است. به عبارت دیگر، بیشترین جملات استفاده شده برای تبیین نقطه نظرات و سیاست‌های کشور آمریکا برای سران کشورهای جهان است. کنش ترغیبی برای همراه کردن دیگران با عقاید خویش به کار می‌رود تا

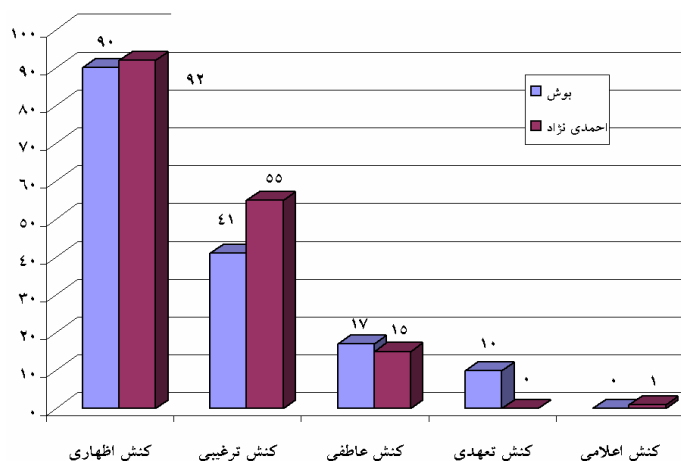
کنش گفتار	بوش
کنش اظهاری	۹۰
کنش ترغیبی	۴۱
کنش عاطفی	۱۷
کنش تعهدی	۱۰
کنش اعلامی	۰
جمع کل	۱۵۸

دیگران را ترغیب کند. این کنش خواست‌ها و تمایلات گوینده را بیان می‌کند. رئیس جمهور آمریکا ۲۶٪ از جملات خویش را به این کنش اختصاص داده است. برای تأثیرگذاری عاطفی بر شنوندگان در سخنرانی خود، بوش از ۱۱٪ کنش عاطفی استفاده نموده است. کنش تعهدی در سخنرانی رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا ۱۰ جمله می‌باشد. وی بعنوان نماینده آمریکا سعی در اقناع و دادن تعهد نسبت به آینده نظم نوین جهانی با عنوان دهکده جهانی که آمریکا مبدع آن است، اقدام می‌کند تا به کشورهای جهان در باب نتایج این نظم نوین

اطمینان خاطر بدهد. بالاخره، کمترین کنش استفاده شده در این سخنرانی، کنش اعلامی با مقدار صفر جمله می‌باشد.

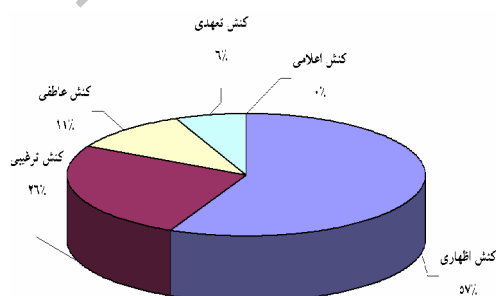
مقایسه آماری کنش‌های گفتار در سخنرانی‌های روسای جمهور ایران و آمریکا

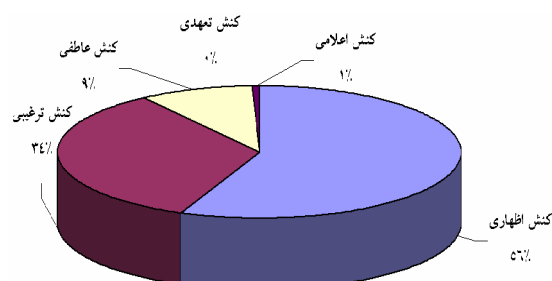
در حالی که رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا از کنش اظهاری بیشترین استفاده را با ۹۰ جمله نموده اند، رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران در سخنرانی خود از کنش اظهاری با ۹۲ جمله استفاده کرده است. کمترین کنش‌های گفتار استفاده شده رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران کنش تعهدی با مقدار صفر جمله و رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا کنش اعلامی با مقدار صفر جمله است. در نمودار زیر، تعداد جملات به کار رفته شده در هر کنش گفتار روسای جمهور ایران و آمریکا نشان داده شده است.



در زبان سیاسی بکار رفته شده در سازمان ملل، کنش اعلامی کمترین کاربرد را داشته است. بافت مکانی و زمانی برای استفاده از کنش اعلامی گویا در سازمان ملل متحد مناسب نیست. به همین دلیل هر دو رئیس جمهور ترجیح می‌دهند تا به بیان عقاید خویش و نتایج عملکرد خود بپردازند: ایران با ۵۶٪ و آمریکا با ۵۷٪. کنش تعهدی نیز کنشی است که رئیس جمهور ایران مناسب ندانسته تا تعهدی به کشورهای جهان بسپارد؛ در حالی که رئیس جمهور آمریکا با توجه به این که کشور خویش را تنها ابرقدرت جهان محسوب نموده، نقش ناظم جهانی را برای خویش شایسته می‌داند. (بوش در سخنرانی دیگری به این مطلب که صدایی از آسمان شنیده است که به او مسئولیتی واگذار کرده اند، اشاره کرده است) بنابراین او خود و کشور خود را آینه تمام نمای دموکراسی و پیشرفت و انسانیت می‌داند و این ناشی از داشتن روحیه سلطه جویی و سروری در جهان است. در چنین حالتی، برای اطمینان بخشی به دیگر کشورهای جهان از هرج و مرج و درگیری، بوش در سخنرانی ۱۵۸ جمله خود، ۱۰ تعهد

می‌دهد که ۶٪ از کل سخنان وی را شامل می‌شود، زیرا خود را مسئول در قبال تمام جهان تصور می‌کند. در نمودار مقابل درصد انواع کنش‌های گفتار استفاده شده رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران در نمودار زیر نشان داده شده است.





درصدهای کنش‌های گفتار استفاده شده رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا در نمودار زیر نشان داده است. در سازمان ملل متحد، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، در زبان سیاسی خود با توجه به احساس تأثیر در معادلات جهانی سیاست‌های کشورش، از کنش‌های تعهدی بیشتری نسبت به رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران که کنش تعهدی‌اش صفر است، استفاده کرده است. بالعکس، رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران از کنش ترغیبی ۳۴٪ که برای همراه کردن دیگران با عقاید و سیاست‌های

کنش گفتار	بوش	احمدی نژاد
کنش اظهاری	۵۷٪	۵۶٪
کنش ترغیبی	۲۶٪	۳۴٪
کنش عاطفی	۱۱٪	۹٪
کنش تعهدی	۶٪	۰٪
کنش اعلامی	۰٪	۱٪

کشورش می‌باشد، بیش از رئیس جمهور آمریکا ۲۶٪، استفاده نموده است. در سازمان ملل متحد، هر دو رئیس جمهور از یک مقدار کنش اظهاری ایران ۵۶٪ و آمریکا ۵۷٪ استفاده نموده‌اند. در جدول مقابل، درصدهای کنش‌های گفتار هر دو رئیس جمهور آورده شده است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، بر اساس نظریه کنش‌های گفتار به بررسی سخنرانی‌های روسای جمهور جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در شهریورماه سال ۱۳۸۵ که در سازمان ملل بیان شده است، پرداخته شد. در ابتدا نظریه کنش‌های گفتار و شرایط تحقق آن به طور مختصر ارائه شد. سپس نتایج به دست آمده از تحلیل سخنرانی‌های روسای جمهور ایران و آمریکا را با یکدیگر مقایسه شدند. نتایج به دست آمده در دو بخش ۱. درک منظوره‌های نهان سخنان احمدی‌نژاد و بوش، ۲. شیوه بیان سخنرانی، ارائه می‌شود.

۱. درک منظوره‌های نهان سخنان احمدی‌نژاد و بوش:

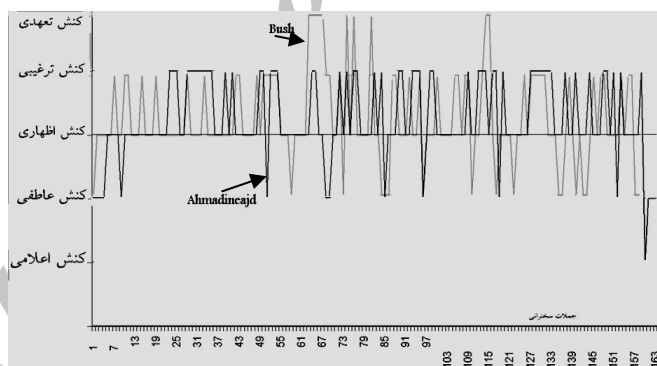
در سازمان ملل هر دو رئیس‌جمهور به یک اندازه سعی در استفاده از کنش اظهاری دارند اما احمدی‌نژاد از کنش ترغیبی بیشتری نسبت به جرج بوش استفاده می‌کند. رئیس‌جمهور ایران برای بیان عقاید و سیاست‌های کشور ایران بیش از نیمی از جملات خود را با ۹۲ جمله به کنش اظهاری اختصاص می‌دهد. رئیس‌جمهور آمریکا نیز بیش از نیمی از جملات خود را با ۹۰ جمله به کنش اظهاری اختصاص می‌دهد. بوش با اختصاص ۵۷٪ از جملاتش به کنش اظهاری سعی در ارائه گزارش عملکرد خود دارد تا از حمایت جهانی بیشتر بهره‌مند شود. در این راه وی از کنش عاطفی و تعهدی بیشتری استفاده می‌کند. وی یک پانزدهم جملات خویش را صرف تعهد به کشورهای جهان می‌نماید. رئیس‌جمهور آمریکا که خود را مدعی نظم نوین جهانی می‌داند، برای اثبات درستی اعمالش نیاز به پذیرش اهداف و کارهایش توسط جامعه جهانی دارد. در پس این کنش‌های گفتار، نیاز به درک کنش‌های پس‌بیانی و تأثیر بر جامعه جهانی نهفته است و دلیل بکارگیری این زبان سیاسی با این کنش‌های گفتار، امید انتقال پیام‌هایی خاص به دیگر سران کشورهای جهان می‌باشد.

احمدی‌نژاد که در کمتر از دو سال، به دلیل موضع‌گیری‌ها و بیان روشن نظراتش در دنیای سیاست، به چهره‌ترین سیاستمدار در خاورمیانه تبدیل شده، سعی در تبیین نظرات و عقایدش برای سران کشورهای دیگر می‌نماید. وی ۵۶٪ از سخنرانی خود را به بیان عقایدش می‌پردازد و از ۴۴٪ باقی مانده سخنرانی‌اش، ۳۴٪ از آن را به کنش ترغیبی برای بیان خواست‌ها و گرایش‌های سیاسی کشور ایران اختصاص می‌دهد. رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی ایران ضرورت بیان اصول و عقاید سیاسی انقلاب اسلامی را پس از ۲۸ سال از آغاز آن دارد؛ در حالی که رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا بیشتر سعی در اقناع کشورهای جهان با اعلام نتایج دخالت‌هایش در کشورهای منطقه و جهان، با کاربرد بیشتر کنش اظهاری داشته و با تعهد به جامعه جهانی سعی در اطمینان بخشی و آرامش خاطر سران کشورهای جهان دارد.

شباهت کنش گفتاری دو سخنرانی در استفاده از کنش اظهاری و کنش عاطفی تقریباً برابر می‌باشد و تفاوت آنها در سه بخش است: ۱. استفاده از کنش تعهدی توسط بوش نسبت به احمدی‌نژاد. ۲. استفاده بیشتر احمدی‌نژاد از کنش اعلامی، ۳. استفاده بیشتر احمدی‌نژاد از کنش ترغیبی نسبت به بوش.

۲. شیوه بیان سخنرانی

مساله دیگر، شیوه بیان سخنرانی دو سیاستمدار در سازمان ملل و در بین دیگر همپایگانش می‌باشد. هر دو سخنران با شناخت موقعیت خویش، یکی به عنوان رئیس جمهور ایران و دیگری به عنوان رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا سعی داشته‌اند تا با استفاده از الفاظ و جملات مشخص (کنش بیانی) منظور خویش (کنش غیربیانی) را به مخاطب برسانند تا با تأثیرگذاری بر مخاطبان خویش (کنش پس بیانی) به گسترش افکار خویش بپردازند. با تحلیل کنش گفتاری ساختار جملات مورد استفاده آنان نشان داده شده که چگونه با کنار هم چیدن جملات کنشی: اظهاری، تعهدی، اعلامی و ... سعی در القای افکار خویش به مخاطب داشته‌اند و چگونه این فرآیند در سخنرانی آنها شکل گرفته است. همچنین هر یک در سخنرانی خویش در سازمان ملل از چه آرایش کنش گفتاری برای ارسال پیام خویش به مخاطبان استفاده نموده‌اند. نمودار زیر به خوبی آرایش کنش‌های گفتار سخنرانی رئیس جمهور ایران و رئیس جمهور آمریکا را نشان می‌دهد.



در این نمودار دیده می‌شود که بوش قبل از بیان کنش گفتاری تعهدی، از بیان کنش گفتاری عاطفی استفاده می‌کند و احمدی‌نژاد پس از اتمام سخنانش است که از کنش گفتاری اعلامی استفاده می‌کند.

پی‌نوشت

۱- در فرهنگ غرب به گفتن جمله «طلاق می‌دهم»، عمل طلاق صورت نمی‌گیرد و پروسه قضایی برای انجام صحیح آن نیاز است.

منابع فارسی

- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۵)، *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- اسپرینگر، توماس. (۱۳۷۷)، *فهم نظریه‌های سیاسی*، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران، نشر آگه، چاپ سوم.
- اصطهباناتی، لیدا. (۱۳۸۶)، «*تحلیل کنش‌گفتاری پاره‌ای از متون سیاسی معاصر*»، کارشناسی ارشد، فردوسی مشهد.
- بخشایشی اردستانی، احمد. (۱۳۷۶)، *اصول علم سیاست*، تهران، آوای نور.
- بیرد، آدریان. (۱۳۸۵)، *زبان سیاست*، ترجمه جلیل‌الله فاروقی و خلیل قاضی‌زاده، مشهد، نشر مرن‌دیز و نشر نی نگار.
- تنسی، استفان دی. (۱۳۷۹)، *مبانی علم سیاست*، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران، نشر دادگستر.
- کوروش، صفوی. (۱۳۷۹)، *درآمدی بر معنی‌شناسی*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- محمدی، سیدبیوک. (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران، دانشگاه پیام نور.
- موسی‌زاده، رضا. (۱۳۸۰)، *بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی (۱-۲)*، تهران، نشر میزان.
- میرمدرس، سیدموسی. (۱۳۷۰)، *متد تحلیل پدیده‌های سیاسی*، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- یارمحمدی، لطف‌ا... (۱۳۸۵)، *ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی*، بهار.

منابع لاتین

- Austin, J.L. (1975): *How To Do Things With Words*, The William James Lectures delivered at Harvard University in 1955. Second edition. Edited by J.O. Urmson and Marina Sbisà. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press. First published in 1962.
- Searle, John R. (1979): *Expression and Meaning: Studies in the Theory of Speech Acts*, Cambridge: Cambridge University Press.
- (1969): *Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language*, Cambridge: Cambridge University Press.

<http://www.president.ir/fa/view.php?ArtID=3646>

<http://www.whitehouse.gov/news/releases/2006/09/20060919-4.html>